

The Analysis of Marital behavior and intention of young people in Tehran from the perspective of marital paradigm

Ahmad Ghiasvand *

Associate Professor, Department of Sociology,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Bab Allah Bakhshi
Poor Juybari 

Assistant Professor, Department of Counseling,
Payam Noor University, Tehran, Iran.

Abstract


In Iranian society, marriage and family formation have seen many structural and functional changes under the influence of various factors. Currently, to explain the tendency of young people towards marriage, theoretical research on marriage has been used. This paradigm affects marital behavior and intention by two systems of beliefs, one "belief in getting married" and "belief in staying married" in the form of 6 magnitudes of timing, process, salience, permanence, background and centrality of marriage. This study was conducted by the "survey" method and its statistical population was "all young boys and girls living in Tehran in 1401". Sampling is of "multi-stage sampling" type and the sample size is equal to 355 people. The data collection tool, "Questionnaire" and the validity of the concepts were calculated through face and construct validity as well as reliability with the help of Cronbach's alpha test. The results show that about half of the young people studied in Tehran have binding marital behavior, which normatively indicates that there is no relationship with the opposite sex. In examining the relationship between the two systems of "belief in getting married" and "belief in staying married", it can be seen that the binding marital behavior of young people is more affected by changes in the "belief in staying married" system than "belief in getting married". In other words, young people who have binding relationships with the opposite sex at different levels. In maintaining, future marital roles and roles are better and function.

Keywords: Marital Paradigm, Marriage Intention, Marital Behavior, Belief in Staying Married, Belief in Getting Married..


* Corresponding Author: ah.ghiasvand@gmail.com

How to Cite: Ghiasvand, A., Bakhshi Poor Juybari, B. (2023). The Analysis of Marital behavior and intention of young people in Tehran from the perspective of marital paradigm, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 14(56), 103-139.

تحلیل رفتار و قصد ازدواج جوانان در شهر تهران از منظر پارادایم زناشویی

احمد غیاثوند * 

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

باب‌الله بخشی‌پور جویباری 

استادیار گروه مشاوره دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

در جامعه ایران ازدواج و تشکیل خانواده تحت تأثیر عوامل مختلف، تغییرات ساختاری و کارکردی بسیاری به خود دیده است. در پژوهش حاضر برای تبیین گرایش جوانان نسبت به ازدواج، از چارچوب نظری پارادایم زناشویی استفاده شده است. این پارادایم توسط دو سامانه بزرگ از باورها، یکی «باور به متأهل شدن» و «باور به متأهل ماندن» در قالب ۶ متغیر زمان‌بندی، فرایند، برجستگی، ماندگاری، زمینه و مرکزیت زناشویی، بر رفتار و قصد زناشویی تأثیر می‌گذارد. این مطالعه به روش «پیمایش» انجام گرفته و جمعیت آماری آن را «کلیه دختران و پسران جوان ساکن شهر تهران در سال ۱۴۰۱» تشکیل داده‌اند. شیوه نمونه‌گیری از نوع «نمونه‌گیری چندمرحله‌ای» بوده و حجم نمونه برابر با ۳۵۵ نفر می‌باشند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، «پرسشنامه» بوده و اعتبار مفاهیم از طریق اعتبار صوری و سازه و نیز پایایی با کمک آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهند که حدود نیمی از جوانان مورد مطالعه در شهر تهران رفتار زناشویی مقیدانه‌ای دارند که به لحاظ هنجاری بیانگر آن است که هیچ رابطه‌ای با جنس مخالف ندارند. در بررسی رابطه بین دو سامانه «باور به متأهل شدن» و «باور به متأهل ماندن» مشاهده گردید که رفتار زناشویی مقیدانه جوانان بیش از هر چیزی متأثر از متغیرهای سامانه «باور به متأهل ماندن» است تا «باور به متأهل شدن»؛ به عبارتی جوانانی که در سطوح مختلف رابطه مقیدانه‌ای با جنس مخالف دارند؛ در حفظ، تعهد و نقش‌های زناشویی آینده نیز بهتر و مقیدتر عمل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: پارادایم زناشویی، قصد ازدواج، رفتار زناشویی، باور به متأهل ماندن، باور به متأهل شدن.

* نویسنده مسئول: ah.ghyasvand@gmail.com

مقدمه

بی‌تردید در جامعه ایران، خانواده تحت تأثیر تحولات مختلف ساختاری و کارکردی، تغییرات بسیاری به خود دیده است (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳)؛ تغییراتی که در قالب سه رویداد متوالی و مهم؛ شروع، میانه و پایان خانواده می‌توان آن را نام‌گذاری نمود؛ منظور از شروع نحوه تصمیم‌گیری افراد برای ازدواج و تشکیل خانواده است که به‌نوبه خود شاهد تعویق ازدواج و حتی کم‌رغبتی جوانان نسبت به ازدواج می‌باشیم. در میانه زندگی خانوادگی، آمارهای مختلف سرشماری بیانگر کاهش موالید می‌باشد؛ و در آخر اینکه افزایش طلاق و جدایی در بین خانواده‌ها در دو دهه اخیر نشان از تداوم کم‌زندگی زناشویی در جامعه ایران می‌دهد. بخشی از این تغییرات در قالب نحوه مواجهه ای است که نهاد خانواده با مدرنیته و رواج اندیشه‌های مدرن در جهان داشته - و به‌نوبه خود نهاد خانواده در جامعه ایران از آن بی‌نصیب نمانده است - قابل‌تحلیل و تبیین می‌باشد. در این باره ویلیام گود^۱ بیان می‌کند: «در کل جهان، خانواده تغییرات مختلفی به خود دیده که در نقاط مشترکی با همدیگر در ارتباط می‌باشند که عبارت‌اند از: افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر. به عقیده وی پارامترهای ازدواج در جوامع مختلف به همگرایی نزدیک می‌شوند (گود، ۱۹۶۳: ۵۷). در یک پژوهش در بین زنان و دختران شهر تهران طبق بررسی به‌عمل آمده: «۳۷ درصد دختران در شهر تهران تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده دارند و در مقابل ۳۱ درصد دختران چندان علاقه‌مند نیستند. همچنین برای حدود ۴۸ درصد دختران ازدواج و تشکیل خانواده دغدغه و دارای اهمیت است؛ در مقابل برای ۲۴ درصد چندان مهم نمی‌باشد. حدود نیمی از دختران مورد مطالعه (۴۸ درصد) فکر می‌کنند که امکان ازدواج برای آنها وجود دارد؛ و در مقابل ۲۰ درصد از دختران با مشکل و محدودیت در ازدواج مواجه هستند (غیاثوند، ۱۳۹۶). گرچه طبق مطالعه ایسپا حدود ۶۷ درصد جوانان ایرانی بیان کرده‌اند که در نهایت «یک روزی ازدواج خواهند نمود»؛ بنابراین می‌توان بیان داشت حدود یک سوم جوانان با

1. Good, William

نگرش منفی و تردید در تصمیم برای ازدواج مواجه‌اند که از این مقدار حداقل ۱۵ درصد علاقه‌ای به ازدواج ندارند؛ چراکه ۱۱ درصد جوانان معتقدند که فرد مناسبشان را پیدا نمی‌کنند، ۲۲ درصد جوانان اصلاً دغدغه‌ای برای ازدواج کردن ندارند؛ ۳۶ درصد اصلاً نگران دیر ازدواج کردن نیستند؛ و ۱۰ درصد معتقدند که ضرورتی ندارد همه افراد بخواهند ازدواج کنند (ایسپا، ۱۳۹۷). در بحث از موانع ازدواج در بین جوانان کل کشور می‌توان نتیجه گرفت که به ترتیب، تمایل به تنهایی با بتای ۰/۷۰، نداشتن شغل با بتای ۰/۳۰، و سواس در انتخاب همسر با بتای ۰/۲۹، داشتن برادر یا خواهر بزرگ‌تر مجرد با بتای ۰/۲۷، بی‌اعتمادی به جنس مخالف ۰/۲۱، درگیری عاطفی نسبت به شخص خاص با بتای ۰/۱۸ بیشترین موانع پیش روی جوانان برای ازدواج می‌باشند (غیاثوند، ۱۴۰۰). همچنین «در بحث از عوامل بالا رفتن سن ازدواج به مواردی از قبیل؛ عدم برخورداری از درآمد کافی، بالا بودن هزینه ازدواج، عدم برخورداری از مسکن مستقل و بالا بودن سطح توقعات جوانان اشاره کرده‌اند که عمدتاً موانع اقتصادی محسوب می‌شوند (فیضی و ابراهیمی، ۱۳۹۹).

بر این اساس، مشاهده تغییرات در نهاد خانواده و به دنبال آن مسائل و آسیب‌های آن، ضرورت بررسی علمی این نهاد را بیش‌ازپیش مشخص نموده است. خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، مجموعه سازمان‌یافته‌ای از نقش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری است که بر اساس سلسله مراتبی از ارزش‌ها به رفع نیازهای معینی از جامعه می‌پردازد. با توجه به فرایندهای مختلف شکل‌گیری نگرش به ازدواج، در پاسخ به اهمیت و ضرورت مطالعه نگرش به ازدواج، هلمن اذعان می‌دارد که شناسایی درست و ارزیابی صحیح نگرش به ازدواج یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها در مطالعاتی است که هدف آن پیش‌بینی و شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی است (هلمن، ۲۰۰۱: ۱۸). همچنین نگرش به ازدواج یکی از مکانیسم‌های کلیدی برای پیش‌بینی رفتار واقعی در ازدواج و یکی از بهترین شاخص‌های کلیدی در روابط عاشقانه است (استرانبرگ، ۲۰۰۴)؛ بنابراین با درک و فهم

1. Holman, T. B.
2. Steinberg, R.J

رفتار و قصد جوانان پیرامون ازدواج در قالب پارادایم زناشویی می‌توان به سنخ‌های سرگیری ازدواج و نیز پیامدهای آن دست یافت. همچنین امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای تغییر دادن نگرش جوانان به ازدواج و جایگزین کردن دیدگاه‌های مطلوب‌تر و منطقی توسط مراکز و نهادی‌های ذی‌ربط را فراهم آورد.

با این توصیف، به نظر می‌رسد تحلیل وضعیت گرایش جوانان نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر تهران، در قالب رفتار زناشویی، قصد و تمایل به ازدواج نیارمند تهیه یک چهارچوب نظری در قالب انگاره یا «پارادایم زناشویی» باشد. در این مطالعه پارادایم زناشویی به معنای نظامی از باورهای ترکیبی و تجمعی فرد درباره نهاد ازدواج، تشکیل آن و نیز باورهای انتزاعی و تجربی فرد درباره روابط و نحوه تشکیل زندگی زناشویی می‌باشد تا رفتار و قصد زناشویی جوانان را مورد تبیین قرار دهد؛ بنابراین فهم این پارادایم در بین گروه‌های مختلف جوانان در جامعه شهری تهران از یک‌سو؛ می‌تواند تبیین‌گر رفتار زناشویی و از سوی دیگر؛ بیانگر موقعیت‌هایی و فرایندهایی باشد که موجبات قصد و انگیزه آن‌ها برای ازدواج فراهم سازد.

در زمینه مطالعات صورت گرفته پیرامون ازدواج جوانان می‌توان دو دسته از پژوهش‌ها را از همدیگر تشخیص داد: نخست؛ مطالعات بین‌المللی و ملی در حوزه جوانان که ابعاد مختلف ارزش‌ها و نگرش‌های آن‌ها مورد پیمایش قرار داده‌اند. سابقه چنین مطالعاتی در سراسر دنیا در قالب پیمایش ارزش‌های جهانی، مطالعه ارزش‌های اروپائیان، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های بریتانیا و پیمایش ارزش‌های شرق آسیا می‌باشد. در ایران اولین مطالعه تجربی مربوط به نظرسنجی پژوهش‌کننده علوم ارتباطی و توسعه ایران در سال ۱۳۵۳ بوده است؛ در این زمینه به تدریج از سال ۷۵ به بعد شاهد انجام پیمایش‌های مختلف ملی، منطقه و استانی و... می‌باشیم (وزارت ارشاد، ۱۳۷۹، ۸۰ و ۹۴؛ محسنی، ۱۳۷۴؛ آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳، گودرزی، ۱۳۹۶، غیاثوند، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۹، وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۸۳، ۹۵؛ فیضی و ابراهیمی، ۱۳۹۸، غیاثوند، ۱۴۰۰). در دسته دوم نیز مطالعات کمی (شهری و منطقه‌ای) و کیفی مختلفی به تبیین علی و کارکردی وضعیت ازدواج

جوانان، معیارهای همسرگزینی، مجرد زیستی جوانان و... پرداخته‌اند.

در مجموع مرور مطالعاتی تجربی مختلف در حوزه وضعیت ازدواج در طول حداقل چهار دهه گذشته در ایران، دلالت بر سه واقعه بارز و مهم یعنی «افزایش سن ازدواج»، «کاهش تمایل به ازدواج» و «تغییر در معنای ازدواج و همسرگزینی» دارد؛ و به نوبه خود کمتر به رفتار زناشویی جوانان قبل از ازدواج پرداخته‌اند؛ البته شاهی و همکارانش (۱۳۹۸) در مطالعه پارادایم‌های زناشویی در بین جوانان شهر کرمانشاه به سنجش ابعاد مختلف این نظریه پرداخته است. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که در بین زنان به ترتیب مؤلفه‌های از قبیل: «مرکزیت زناشویی»، «برجستگی زناشویی»، «کوشش‌های زناشویی»، «نقش‌های زناشویی»، «بافتار زناشویی» و «ماندگاری زناشویی» دارای ارزش و اهمیت بودند، اما در مردان به ترتیب پارادایم‌های «مرکزیت زناشویی»، «نقش‌های زناشویی»، «برجستگی زناشویی»، «کوشش‌های زناشویی»، «بافتار زناشویی» و «ماندگاری زناشویی» دارای ارزش و اهمیت‌اند. مهم‌ترین نقد وارده بر این مطالعه ضمن بهره‌گیری از پارادایم زناشویی ویلوگی و همکارانش به سنجش قصد و رفتار زناشویی و تأثیر مفاهیم مختلف بر آن نپرداخته است. کلدال یلدریم در پژوهشی ترکیبی پیرامون آمادگی زناشویی در بین جوان ترک ازدواج نکرده؛ ابتدا به روش کیفی مؤلفه‌های مختلف این آمادگی استخراج گردید و در مرحله بعد به روش پیمایشی به مطالعه ۱۵۲۳ (۸۶۵ زن، ۶۵۸ مرد) پرداختند. در مجموع شش مضمون به‌عنوان عواملی که جوانان مجرد برای آمادگی زناشویی به آن‌ها اهمیت می‌دهند تعیین شد. این مضامین عبارت بودند از: آمادگی مالی، آمادگی عاطفی، آمادگی روابط بین فردی، آمادگی زندگی خانوادگی و نقش خانوادگی، آمادگی جنسی و آمادگی مسئولیت اجتماعی (کلدال و یلدریم، ۲۰۲۲). ویلوگی و همکارانش (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای پیرامون «ازدواج چه معنایی برای ما دارد؟ مرکزیت زناشویی در بین زوج‌های تازه ازدواج کرده» با استفاده از یک نمونه ملی ایالات متحده مشکل از ۱۷۵۵ زوج تازه ازدواج کرده، بدین نتیجه رسیدند باورها در مورد مرکزیت ازدواج با کیفیت و تعهد

زناشویی مرتبط است. در مجموع باورهای زناشویی درباره محوریت ازدواج به شدت با ایجاد تعهد و کیفیت رابطه در بین زوج‌های متأهل مرتبط است (ویلوگی، یورگاسون، جیمز، کرامرز هملز^۱، ۲۰۲۱). در این مطالعه توصیف و تبیین رفتار و قصد زناشویی متأثر از پارادایم زناشویی مورد تأمل جدی می‌باشد. مطالعه این پدیده در عین اینکه جنبه تحلیلی و آسیب‌شناختی خاص خود را در پی دارد، می‌تواند به پیش‌بینی کنش و انگیزه ازدواج جوانان پردازد.

ویلوگی^۲، هال^۳ و لوژاک^۴ در کوششی برای ارائه یک چارچوب مفهومی در قالب «باورهای زناشویی»، از اصطلاح «پارادایم» استفاده نموده‌اند. گرچه اصطلاح پارادایم ابتدا توسط کوهن^۵ بکار گرفته شد و وی نیز دقیقاً مفهوم پارادایم را روشن نکرده است و به عقیده مارگارت مسترمن^۶ (۱۹۷۰) حدود ۲۱ تعبیر پارادایم را بکار برده است (ریترز، ۱۳۹۵). به زبان ساده، مفهوم پارادایم بیانگر آن است که چه موضعی در قبال واقعیت اجتماعی داشته باشیم؛ که به نوبه خود به چگونگی درک جهان را توضیح می‌دهد و شامل جهان‌بینی و روشی برای ساده‌سازی شناخت (تجزیه) پیچیدگی‌های دنیای واقعی است (ایمان، ۱۳۹۵). ویلوگی، هال و لوژاک از اصطلاح «پارادایم» استفاده می‌کنند تا نشان دهند که «هر فرد یک پارادایم متمایز ازدواج، یا یک مجموعه کلی از باورها را دارد که جهت‌گیری شخصی فرد درباره ازدواج را مشخص می‌نماید». به همین دلیل برای نامیدن چهارچوب نظری خود از اصطلاح «پارادایم‌های زناشویی»^۷ استفاده نموده‌اند؛ بنابراین در حد خطوط کلی، «پارادایم زناشویی دربرگیرنده باورهای تجمعی فرد درباره نهاد ازدواج و همچنین باورهای انتزاعی فرد درباره روابط زناشویی می‌باشد» (ویلوگی و همکاران، ۲۰۱۵).

1. Willoughby, B. J., Yorgason, J., James, S., & Kramer Holmes, E.

2. Willoughby, B.J

3. Hall, S

4. Luczak, H

5. Kuhn, T.S

6. Masterman, M

7. Marital Paradigms

در مجموع چارچوب نظری پارادایم‌های زناشویی که توسط ویلوگی و همکارانش (۲۰۱۵) ارائه شده مشتمل بر سنجش باورهای فرد درباره «متأهل شدن» و «متأهل ماندن» می‌باشد. باور افراد درباره متأهل شده بیانگر نگرش آن‌ها پیرامون ازدواج و در مقابل باور افراد درباره متأهل ماندن مربوط به روابط زناشویی و تشکیل خانواده است. ویلوگی و همکارانش بیان می‌دارند که پارادایم زناشویی توسط دو «سامانه بزرگ از باورها»، یکی درباره «باور به متأهل شدن» و دیگری درباره «باور به متأهل ماندن» می‌باشند که از طریق ۶ مفهوم یا متغیر مختلف موردسنجش قرار گرفته است. همچنین در کوششی برای ارائه یک چارچوب مفهومی پیرامون متغیرهای باورهای زناشویی نشان دادند که هر شش بعد پارادایم‌های زناشویی بر رفتارها و قصد زناشویی افراد تأثیر می‌گذارد. البته در اینجا از کلمه قصد برای توصیف یک تمایل خاص به درگیر شدن در یک رفتار، مشابه مفهوم‌سازی‌های قبلی از اصطلاح نگرش استفاده گردیده است. توجه داریم که پارادایم‌های زناشویی ممکن است تأثیر مستقیم بر رفتار و همچنین تأثیر غیرمستقیم از طریق نیت خاص داشته باشند. از سوی دیگر، مقاصد، تمایلات خاصی هستند که بسته به موقعیت یا رابطه خاص، به شیوه‌های خاصی عمل می‌کنند. این مفهوم که مقاصد ناشی از پارادایم‌های زناشویی اغلب کاتالیزور رفتار می‌باشند، قبلاً توسط نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده آیزن^۱ موردبحث قرار گرفته بود. آیزن در تدوین نظریه خود به شواهد تجربی اشاره کرد که تمایلات و مجموعه عقاید کلی پیش‌بینی کننده ضعیف رفتار واقعی فردی هستند (آیزن، ۱۹۹۱).

در چارچوب زناشویی، الگوی زناشویی فرد احتمالاً پیش‌بینی کننده ضعیفی از رفتارهای خاص در یک رابطه یا موقعیت معین است (آیزن، ۱۹۹۱). ارتباطات میان پارادایم‌ها، نیت و رفتار زناشویی نیز متقابل است. با تکیه مجدد بر نظریه کنش متقابل نمادین، با به دست آوردن تجربه زندگی و رابطه، آن‌ها به‌طور مداوم دیدگاه‌ها و ادراکات خود را از ازدواج تغییر می‌دهند. همچنین ممکن است یک قصد یا تمایل خاص برای

1. Ajzen, I

درگیر شدن در یک رفتار خاص ایجاد کند و سپس باورها یا پارادایم‌های بزرگ‌تر را تغییر دهد تا از درون خود چنین رفتاری را توجیه کند.

الف) متغیرهای مربوط به سامانه «باور به متأهل شدن: (Beliefs About Getting Married): این سامانه دربرگیرنده سه مفهوم زمان‌بندی زناشویی، برجستگی زناشویی و زمینه زناشویی می‌باشد که بیانگر انتظارات و ترجیحات افراد برای شروع ازدواج می‌باشد تا نحوه تصمیم‌گیری افراد و نگرش‌های آن‌ها را پیرامون ازدواج مشخص سازد.

زمان‌بندی زناشویی (Marital Timing): زمان‌بندی ازدواج به معنای زمان مطلوب ازدواج و موقعیتی که افراد برای ازدواج کردن مناسب می‌دانند. اگرچه اکثر افراد انتظار دارند در سال‌های جوانی ازدواج کنند، اما محققان کاهش شدید تمایل به ازدواج را تا زمانی که اکثر افراد مجرد به سن بزرگ‌سالی می‌رسند، مشاهده کرده‌اند (ماهای و لوین^۱، ۲۰۰۷). شاید بدین خاطر است که با گذشت زمان اولویت‌های فردی به سمت نقش‌های دیگر مانند شغل و مسئولیت‌های مدنی تغییر می‌کند.

برجستگی زناشویی ((Marital Salience): در ادبیات کنونی برجستگی زناشویی شاید بیشترین بعد مورد مطالعه شده از پارادایم‌های زناشویی باشد. تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که ارزیابی کلی یک فرد از ازدواج به‌عنوان یک‌نهاد به‌طور قابل توجهی پیش‌بینی می‌کند که آیا یک فرد ازدواج یا یک رابطه زندگی مشترک را انتخاب می‌کند؟ (اکسین و تورن تون^۲، ۱۹۹۲). برجستگی کلی ازدواج پیش‌بینی‌کننده رفتارهای رابطه‌ای فرد هستند، اهمیت نسبی ازدواج نسبت به سایر حیطه‌های زندگی نیز تعیین‌کننده ادامه مسیر زندگی فرد است. به‌صورت کلی، اکثر افراد برای ازدواج و زندگی خانوادگی در مقایسه با جنبه‌های دیگر زندگی (مانند شغل)، ارزش و اهمیت بالاتری قائل هستند (هوفنانگ^۳، ۲۰۰۴).

زمینه زناشویی (Marital Context): باورها در مورد زمینه زناشویی شامل مجموعه‌ای

-
1. Mahay, J., & Lewin, A. C
 2. Axinn, W. G., & Thornton, A.
 3. Hoffnung, M.

از عوامل، مانند معیارهای آموزشی، مالی، فرهنگی یا تجربی خاص است که فرد قبل از اینکه احساس آمادگی برای ازدواج کند، بایستی برخوردار باشد. همچنین زمینه زناشویی، مفهوم آمادگی زناشویی را در برمی‌گیرد (کارول و همکاران^۱، ۲۰۰۹؛ هلمن و لی^۲، ۱۹۹۷). برای گذار به ازدواج، بیشتر افراد نیاز دارند که شخصاً احساس آمادگی کنند و این آمادگی بر اساس معیارهای مختلف می‌تواند باشد. آمادگی برای ازدواج اغلب تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله پیشینه خانوادگی و وابستگی مذهبی است با تصمیم‌گیری فردی قبل از ازدواج مرتبط است (لارسون، بنسون، ویلسون و مدرو^۳، ۱۹۹۸؛ مسکو و پیستول^۴، ۲۰۱۰).

ب) متغیرهای مربوط به سامانه «باور به متأهل ماندن» (Beliefs About Being Married): این سامانه بیشتر مبتنی بر آثار و پیامدهایی است که ازدواج کردن و نیز متأهل بودن برای افراد به همراه دارد؛ به عبارتی تداوم و ماندن در زندگی زناشویی طبق چه مکانیسمی صورت می‌گیرد و چه فهم و تجربه‌ای جوانان از این وضعیت دارند؛ بنابراین این مؤلفه نوعی تداوم و تعهد در زندگی زناشویی را میسر می‌سازد.

فرآیندهای زناشویی (Marital Processes): بررسی باورهایی که فرآیند زناشویی چگونه خواهد بود، یکی دیگر از ابعاد مورد مطالعه پارادایم‌های زناشویی است. باورها در مورد فرآیند زناشویی کانون توجه چندین مطالعه اخیر بوده است (دنسون و کورنر^۵، ۲۰۰۶؛ ساسلر و اس‌چون^۶، ۱۹۹۹) همچنین مبنایی برای برخی از اندازه‌گیری‌های استاندارد شده برای ارزیابی باورها و نگرش‌های زناشویی محسوب می‌شوند (لارسون، بنسون، ویلسون و مدرو^۷، ۱۹۹۸)؛ بنابراین فرآیندهای زناشویی، دربرگیرنده انتظارات فردی است که افراد در

1. Carroll, J. S., Badger, S., Willoughby, B., Nelson, L. J., Madsen, S., & Barry, C. M.
2. Holman, T. B., & Li, B. D.
3. Larson, J. H., Benson, M. J., Wilson, S. M., & Medora, N.
4. Mosko, J. E., & Pistole, M. C.
5. Dennison, R. P., & Koerner, S. S.
6. Sessler, S., & Schoen, R.
7. Larson, J. H., Benson, M. J., Wilson, S. M., & Medora, N.

زمینه «نقش‌های شغلی و خانوادگی» بایستی در زندگی خانوادگی بر عهده گیرند. در این میان نیز حال به شناسایی نگرش بزرگ‌سالان پیرامون اهمیت روابط عاشقانه، سلسله‌مراتب نقش، متقابل و خودشکوفایی در ازدواج پرداخته است (هال^۱، ۲۰۰۶).

ماندگاری زناشویی (Marital Permanence): علیرغم وجود مطالعات بسیار پیرامون باورهای مربوط به فرآیند زناشویی، بررسی‌های کمتری در این باره انجام شده است؛ که افراد به تداوم ازدواج و روابط زناشویی چه باوری دارند؟ دیو و ویلکاکس (۲۰۱۰) در مورد اهمیت دوام زناشویی دریافتند که افرادی که به ثبات زناشویی اهمیت بیشتری می‌دهند، احتمالاً از روابط زناشویی باکیفیت لذت می‌برند و حداقل حمایت نسبی از اهمیت آن را فراهم می‌کنند (دیو و ویلکاکس^۲، ۲۰۱۰).

داشتن نگرش‌های سهل‌آمیز نسبت به طلاق احتمالاً با باورهای پایداری زناشویی مرتبط است، زیرا به جهت گیری کلی فرد برای پایان دادن به روابط زناشویی کمک می‌کند.

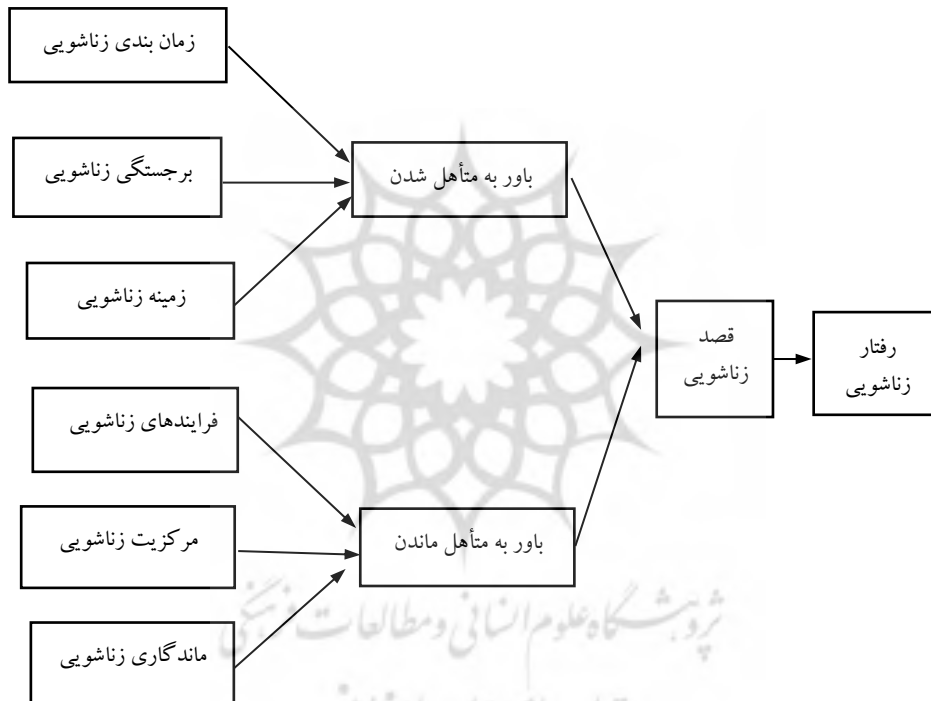
مرکزیت زناشویی ((Marital Centrality: از بین شش متغیر پارادایم زناشویی، پیرامون مرکزیت ازدواج مطالعات کمتری صورت گرفته است. با این حال، برخی از محققان ایده‌هایی در مورد اینکه چگونه باورهای مرکزیت زناشویی ممکن است برای افراد مهم باشد، ارائه کرده‌اند. برای مثال، برخی از افراد ممکن است ازدواج را چیزی بدانند که برای حفظ آن به تلاش مداوم نیاز دارد؛ بنابراین، باورهای مربوط به تعهد زناشویی احتمالاً نوع خاصی از باور مرکزیت زناشویی است. تعهد برای مدت طولانی جزء اصلی روابط قوی و طولانی‌مدت بوده است» (استندلی و مارکمن^۳، ۱۹۹۲)؛ و باورها در مورد مرکزیت زناشویی ممکن است به شدت با احساسات عمومی تعهد مرتبط باشد (برین، ویلوگی و اسکات^۴، ۲۰۱۴).

در مجموع ملاحظه می‌گردد می‌توان دو سامانه (بعد) و شش متغیر مستقل را برای

1. Hall, S. S.
2. Wilcox, W. B., & Dew, J.
3. Stanley, S. M., & Markman, H. J.
4. Brian J. Willoughby and Scott S. Hall

تیین دو متغیر «قصد زناشویی» و «رفتار زناشویی» در بین جوانان شهر تهران مدنظر قرار داد. در واقع ابعاد و مؤلفه‌های موردنظر در عین اینکه می‌توانند خود بخشی از سامانه باورهای فرد مبنی بر متأهل شدن و متأهل ماندن باشند؛ می‌توانند به لحاظ عملیاتی در سطوح خردتر و دقیق‌تر با عنوان متغیرهای مستقل موردسنجش قرار داد. بر این اساس می‌توان مدل نظری پژوهش را این‌گونه ترسیم نمود:

شکل ۱: مدل نظری پژوهش



از این رو، متأثر از چارچوب نظری ویلگبی و همکاران (۲۰۱۵) فرضیات زیر استخراج شده است:

۱ - بین زمان‌بندی زناشویی با قصد و رفتار زناشویی در بین جوانان رابطه آماری معناداری وجود دارد.

۲ - بین برجستگی زناشویی با قصد و رفتار زناشویی در بین جوانان رابطه آماری معناداری وجود دارد.

۳ - بین زمینه زناشویی با قصد و رفتار زناشویی در بین جوانان رابطه آماری معناداری وجود دارد.

۴ - بین فرایندهای با قصد و رفتار زناشویی در بین جوانان رابطه آماری معناداری وجود دارد.

۵ - بین ماندگاری زناشویی با قصد و رفتار زناشویی در بین جوانان رابطه آماری معناداری وجود دارد.

۶ - بین مرکزیت زناشویی با قصد و رفتار زناشویی در بین جوانان رابطه آماری معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش «پیمایش» انجام گرفته و جمعیت آماری آن را «کلیه دختران و پسران جوان ساکن شهر تهران در سال ۱۴۰۱» تشکیل داده‌اند. بر اساس فرمول کوکران نمونه تحقیق برابر با ۳۸۴ نفر برآورد گردیده است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق ابزار «پرسشنامه» صورت گرفته است. همچنین از سؤالات مقیاس ویلوگی و همکارانش (۲۰۱۵) برای تهیه سؤالات استفاده شده است.

در بحث از سنجش اعتبار و پایایی مفاهیم اساسی تحقیق، بعد از اطمینان از اعتبار صوری توسط متخصصان و کمک گرفتن از معرف‌های موردنظر ویلوگی و همکاران (اعتبار منطقی یا نمونه‌گیری)، بعد از جمع‌آوری داده‌ها به بررسی اعتبار سازه از طریق آزمون تحلیل عاملی پرداخته شد. در این پژوهش برای بررسی پایایی مفاهیم از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته‌ایم. چنانچه ارقام جدول مربوطه نشان می‌دهد، نتیجه محاسبات برآورد پایایی متغیرهای تحقیق حاکی از آن است که مقادیر حاصل در سطح مطلوبی قرار دارد.

جدول ۱. نتایج آزمون آلفای کرونباخ پیرامون متغیرهای تحقیق

آزمون	مرکزیت زناشویی	ماندگاری زناشویی	فرایند زناشویی	زمینه زناشویی	برجستگی زناشویی	زمان‌بندی زناشویی	قصد زناشویی	رفتار زناشویی
تعداد گویه	۵	۳	۴	۷	۴	۳	۴	۵
ضریب آلفا	۰/۷۲	۰/۷۷	۰/۷۲	۰/۷۱	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۸۳

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از جوانان ۱۸ سال به بالای شهر تهران ۳۵۵ نفر به‌عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. طبق بررسی صورت گرفته ۵۹ درصد نمونه را دختران و در مقابل ۴۱ درصد را پسران تشکیل دادند. میانگین کل سن جوانان مورد مطالعه ۲۵، میان ۲۴ و بیشترین فراوانی متعلق به ۲۰ ساله‌ها می‌باشد. در مجموع اکثریت جوانان نمونه تحصیلات دانشگاهی دارند (۹۱ درصد)؛ در مقابل ۹ درصد جوانان دیپلمه، هستند. کمتر از نیمی از جوانان (۴۵ درصد)، دانشجو هستند؛ حدود ۳۹ درصد شاغل، ۱۴ درصد در جستجوی کار و حدود ۲ درصد خانه‌دار می‌باشند. یک‌سوم جوانان مورد مطالعه (۳۳ درصد) خود را فردی مذهبی به حساب نمی‌آورند؛ در مقابل ۶ درصد در سطح خیلی زیاد و ۲۴ درصد در سطح زیاد خود را مذهبی دانسته‌اند.

رفتار زناشویی: میزان رفتارهای زناشویی بیانگر عدم ارتباط با جنس مخالف و مقید به رفتارهای رسمی زناشویی در قالب عدم داشتن رابطه دوستی عاطفی، مبتنی بر تماس بدنی، رابطه جنسی و همبالینی با فرد دیگری معنا پیدا می‌کند. یافته‌های حاصل پیرامون وضعیت رفتارهای زناشویی نشان داد که نیمی از جوانان نمونه شهر تهران در ۶ ماه گذشته، هیچ‌گونه ارتباطی با جنس مخالف نداشته‌اند. در مقابل مشاهده می‌گردد که نیم دیگری از جوانان بر حسب رابطه عاطفی (۰/۷ درصد)، تماس بدنی (۲۴ درصد)، رابطه جنسی (۱۶ درصد)، روابط همبالینی (۵ درصد) رفتارهای کمتر مقیدانه‌ای دارند. یافته‌های مطالعه ملی دیگر نیز نشان می‌دهد که ۳۵/۵ درصد جوانان کاملاً مخالف و ۲۴/۳ درصد مخالف ازدواج سفید می‌باشند؛ در مقابل ۲۷/۱ و نیز ۱۳/۱ درصد کاملاً موافق می‌باشند (آزادارمکی، ۱۴۰۰).

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب معرف‌های رفتار زناشویی

سؤالات	اصلاً	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
رابطه با جنس مخالف	۵۰	۱۴	۲۰	۸	۸	۱۰۰
رابطه عاطفی با جنس مخالف	۵۷	۱۱	۱۴	۷	۹	۱۰۰
تماس بدنی با جنس مخالف	۷۶	۸	۱۰	۴	۲	۱۰۰
رابطه جنسی با جنس مخالف	۸۴	۵	۷	۱	۲	۱۰۰
رابطه همبالینی ^۱ با جنس مخالف	۹۵	۱	۲	۰/۵	۱/۵	۱۰۰

قصد زناشویی: یافته‌های به دست آمده نشان داد که ۳۵ درصد پاسخگویان، تمایل چندانی نسبت به ازدواج ندارند (۳۰ درصد حد زیاد). ۴۱ درصد پاسخگویان، دغدغه چندانی برای ازدواج ندارند. حدود نیمی از پاسخگویان، چندان نگران ازدواج نیستند. ۵۳ درصد جوانان معتقدند که یک دختر یا پسر می‌تواند ازدواج نکند و مستقل زندگی کند. بر این اساس، در مجموع می‌توان قضاوت نمود که بیش از یک سوم جوانان در شهر تهران قصد زناشویی پایینی دارند و انگیزه چندانی برای ازدواج کردن ندارند.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب معرف‌های قصد زناشویی

سؤالات	اصلاً	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
تا چه اندازه تمایل دارید ازدواج کنید.	۱۱	۲۴	۳۵	۲۱	۹	۱۰۰
ازدواج کردن چقدر برای شما دغدغه مهمی است.	۲۰	۲۱	۲۵	۲۰	۱۴	۱۰۰
چقدر معتقدید که یک دختر یا پسر می‌تواند ازدواج نکند و مستقل زندگی کند.	۱۴	۱۴	۱۹	۲۴	۲۹	۱۰۰
شما چقدر نگران دیر ازدواج کردنتان هستید.	۳۰	۲۱	۲۰	۱۵	۱۵	۱۰۰

زمان بندی زناشویی: بررسی نگرش جوانان نشان می‌دهد که از نظر آن‌ها میانگین مناسب سن ازدواج برابر با ۲۷ سالگی، میانه ۲۷ و بیشترین سنی که جوانان مجرد تمایل دارند

۱ - روابط همبالینی ترجمه واژه Collaborative relationships می‌باشد که در برخی منابع روابط همخانگی یا ازدواج سفید ترجمه شده است.

ازدواج کنند، ۲۵ سالگی است. دیگر نتایج حاصل پیرامون سؤال: «به نظر شما سن مناسب ازدواج برای پسران چه سنی است؟» نشان می‌دهد که میانگین سن مطلوب برای پسران ۲۸ سال، میانه برابر با ۲۸ سال و بیشترین فراوانی سن مربوط به ۳۰ سالگی است. همچنین میانگین سن مطلوب برای دختران ۲۴ سال، میانه برابر با ۲۵ سال و بیشترین فراوانی سنی که اعلام شده نیز ۲۵ سال می‌باشد.

برجستگی زناشویی: برجستگی زناشویی بیانگر اهمیت ازدواج در زندگی فرد در مقایسه با سایر اهداف می‌باشد. اکثر پاسخگویان (۶۱ درصد) در پاسخ به سؤال: «ازدواج یک فرد باید بر سایر اهدافش اولویت داشته باشد» مخالف و کاملاً مخالف بوده‌اند؛ در مقابل ۷ درصد کاملاً موافق و ۱۴ درصد موافق می‌باشند. ۷۶ درصد جوانان با این عبارت که ازدواج کردن مهم‌تر از داشتن یک شغل موفق می‌باشد، کاملاً مخالف و مخالف بوده‌اند. در بحث از اولویت داشتن ازدواج در زندگی ۱۶ درصد کاملاً مخالف و ۱۷ درصد کاملاً موافق می‌باشند. در زمینه مجرد ماندن ۵۶ درصد مخالف و کاملاً مخالف بوده و نیز ۱۶ درصد موافق و کاملاً موافق می‌باشند.

جدول ۴. توزیع پاسخگویان برحسب معرف‌های برجستگی زناشویی

سؤالات	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی	موافق	کاملاً موافق	جمع
واج یک فرد باید بر سایر اهدافش اولویت داشته باشد.	۲۹	۳۲	۱۸	۱۴	۷	۱۰۰
من ازدواج کردن مهم‌تر از داشتن یک شغل موفق است.	۴۱	۳۵	۱۳	۷	۴	۱۰۰
واج کردن یکی از اولویت‌های مهم زندگی من است.	۱۶	۱۹	۲۶	۲۲	۱۷	۱۰۰
رد ماندن در زندگی سودمندتر و بهتر از ازدواج کردن است.	۱۷	۳۹	۲۸	۹	۷	۱۰۰

زمینه زناشویی: زمینه زناشویی پنداشت‌های اساسی، ایده‌ها و ذهنیت افراد در ارتباط با معیارهای ازدواج و اولویت‌بندی آن‌ها می‌باشد که محصول درک و تجربه زیسته افراد است که به‌نوبه خود فرد برای گزینه ازدواج در نظر گرفته می‌شود. یافته‌های حاصل در

پاسخ بدین سؤال: «کدام یک از شرایط زیر، موقعیت بهتری را برای ازدواج شما فراهم می‌سازد؟» نشان می‌دهد که ۲۶ درصد جوانان در حد زیاد و نیز ۲۶ درصد در حد خیلی زیاد بیان داشته‌اند که با اتمام تحصیلات خود شرایط بهتری برای ازدواج پیدا خواهند کرد؛ در مقابل ۶ درصد گزینه اصلاً را برگزیده‌اند.

حدود نیمی از پاسخگویان (۵۱ درصد) به داشتن عشق و علاقه نسبت به طرف مقابل در حد زیاد و خیلی زیاد اشاره کرده‌اند. از بین پاسخگویان ۸۱ درصد در حد زیاد و ۱۲ درصد در حد زیاد معتقد به قابل اعتماد بودن و تعهد همسر به زندگی می‌باشند. اکثریت افراد یعنی ۷۷ درصد داشتن درآمد مناسب را از شروط مهم شروع زندگی مشترک می‌دانند. حدود یک سوم افراد به مذهبی بودن (۴۲ درصد) و در مقابل نیز یک سوم به مذهبی نبودن (۳۵ درصد) همسر توجه دارند. ۷۳ درصد جوانان در حد زیاد و خیلی زیاد به داشتن تناسب فرهنگی و قومی با همسر اهمیت می‌دهند. همچنین ۷۲ درصد جوانان در سطح زیاد و خیلی زیاد به اصالت خانوادگی طرف مقابل و در مقابل ۱۰ درصد در حد اصلاً و کم بدان اشاره نموده‌اند.

جدول ۵. توزیع پاسخگویان بر حسب معرف‌های زمینه زناشویی

معرف‌های زمینه زناشویی	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر	جمع
اتمام تحصیلات توسط خود شما	۶	۱۳	۲۹	۲۶	۲۶	-	۱۰۰
پیدا کردن عشق و علاقه به طرف مقابل	۲	۴	۱۲	۲۵	۲۶	-	۱۰۰
قابل اعتماد و تعهد همسر به زندگی	۱	۱	۵	۱۲	۸۱	-	۱۰۰
داشتن درآمد مناسب توسط خود شما	۲	۵	۱۷	۲۶	۵۱	-	۱۰۰
میزان مذهبی بودن طرف مقابل	۲۰	۱۵	۲۳	۱۸	۲۴	-	۱۰۰
داشتن تناسب فرهنگی و قومی با همسر	۴	۵	۱۹	۲۱	۵۱	-	۱۰۰
اصالت خانوادگی همسر	۶	۴	۱۸	۲۵	۴۷	-	۱۰۰

فرایندهای زناشویی: دربرگیرنده انتظارات فردی است که افراد در زمینه «نقش‌های شغلی و خانوادگی» بایستی در زندگی خانوادگی بر عهده گیرند. طبق بررسی صورت گرفته حدود ۶۷ درصد جوانان کاملاً مخالف و مخالف تقسیم کار جنسیتی‌اند؛ ۸۲ درصد با این عبارت

که مرد باید حرف نهایی را بگوید، کاملاً مخالف و مخالف‌اند؛ در مقابل نیز ۶۸ درصد با تساوی وظایف و نقش‌های زناشویی موافق و کاملاً موافق بوده و نیز ۶۶ درصد در سطح موافق و کاملاً موافق بیان داشته‌اند که در زندگی مشترک، برابری زوجین تحت هر شرایطی بایستی تأمین گردد.

جدول ۶. توزیع پاسخگویان برحسب معرف‌های فرایندهای زناشویی

سؤالات	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی موافق	کاملاً موافق	جمع
بهتر است، مرد خارج از خانه و زن داخل خانه به امور می‌پردازد.	۳۸	۲۹	۱۹	۹	۱۰۰
وقتی که بین زن و شوهر مخالفتی پیش می‌آید، مرد باید حرف نهایی را بگوید.	۵۳	۲۹	۱۱	۵	۱۰۰
زن و شوهر باید در تمام امور زندگی زناشویی (انجام امور منزل، مراقبت از کودکان و...) وظایف و نقش‌های مساوی داشته باشند.	۲	۷	۲۳	۳۰	۱۰۰
در زندگی مشترک، برای من مهم است که برابری زوجین تحت هر شرایطی تأمین گردد.	۳	۷	۲۵	۳۱	۱۰۰

ماندگاری زناشویی: به باورهای فرد در مورد تعهد و اینکه تحت چه شرایطی ازدواج را می‌توان منحل کرد، برمی‌گردد؛ بنابراین، ماندگاری زناشویی باورهای مربوط به طلاق و تمایل به طلاق را در بر می‌گیرد. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که ۷۸ درصد جوانان در سطح مخالف و کاملاً مخالف به حفظ زندگی علی‌رغم تحمل هم‌دیگر اذعان داشته‌اند (۱۰ درصد سطح موافق و کاملاً موافق). ۷۱ درصد جوانان مخالف و کاملاً مخالف این عبارت هستند که طلاق امری زشت و ناپسند نمی‌باشد. در این میان نیز ۷۲ درصد در سطح مخالف و کاملاً مخالف بیان داشته‌اند که ازدواج تعهدی مادام‌العمر است حتی اگر زوج ناراضی باشند.

جدول ۷. توزیع پاسخگویان برحسب معرف‌های ماندگاری زناشویی

سؤالات	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی موافق	کاملاً موافق	جمع
مهم حفظ زندگی زناشویی است حتی اگر زوج‌ها بخواهند مدتی همدیگر را تحمل کنند.	۴۲	۳۶	۱۲	۹	۱۰۰
به نظر من طلاق امری زشت و ناپسند نیست.	۴۸	۲۳	۲۶	۷	۱۰۰
به نظر من ازدواج یک تعهد مادام‌العمر است حتی اگر زوج ناراضی باشند.	۳۷	۳۵	۸	۱۱	۱۰۰

مرکزیت زناشویی: به این معناست که زوجین (زنان و مردان متأهل) چقدر برای رابطه و زندگی زناشویی ارزش قائل هستند و تا چه اندازه برای حفظ، ثبات و تداوم ازدواج و پایداری خانواده انگیزه دارند. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که ۵۸ درصد جوانان موافق و کاملاً موافق این عبارت هستند که زن و مرد بایستی به سختی کار و تلاش کنند. همچنین ۶۶ درصد در سطح موافق و کاملاً موافق معتقدند که ازدواج‌های موفق نیازمند تحمل سختی و کنار آمدن با یکدیگرند. ۴۷ درصد مخالف و کاملاً مخالف این عبارت‌اند که بخشی از تداوم مسیر زندگی زناشویی، سوختن و ساختن است. ۴۸ درصد نیز در سطح موافق و کاملاً موافق بیان داشته‌اند که حفظ زندگی زناشویی در گرو فداکاری زن و مرد است. ۴۷ درصد نیز در سطح موافق و کاملاً موافق معتقدند که بیشتر اوقات در زندگی مشترک باید از خود گذشتگی و ایثار از خود نشان داد.

جدول ۸. توزیع پاسخگویان برحسب معرف‌های مرکزیت زناشویی

سؤالات	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی موافق	کاملاً موافق	جمع
برای داشتن یک زندگی موفق زن و مرد بایستی به سختی کار و تلاش کنند.	۱	۱۴	۲۸	۳۴	۱۰۰
داشتن ازدواج‌های موفق نیازمند تحمل سختی و کنار آمدن با برخی از مسائل است.	۱	۶	۲۷	۴۴	۱۰۰
بخشی از تداوم مسیر زندگی زناشویی، سوختن و ساختن است.	۱۷	۳۱	۳۱	۱۵	۱۰۰

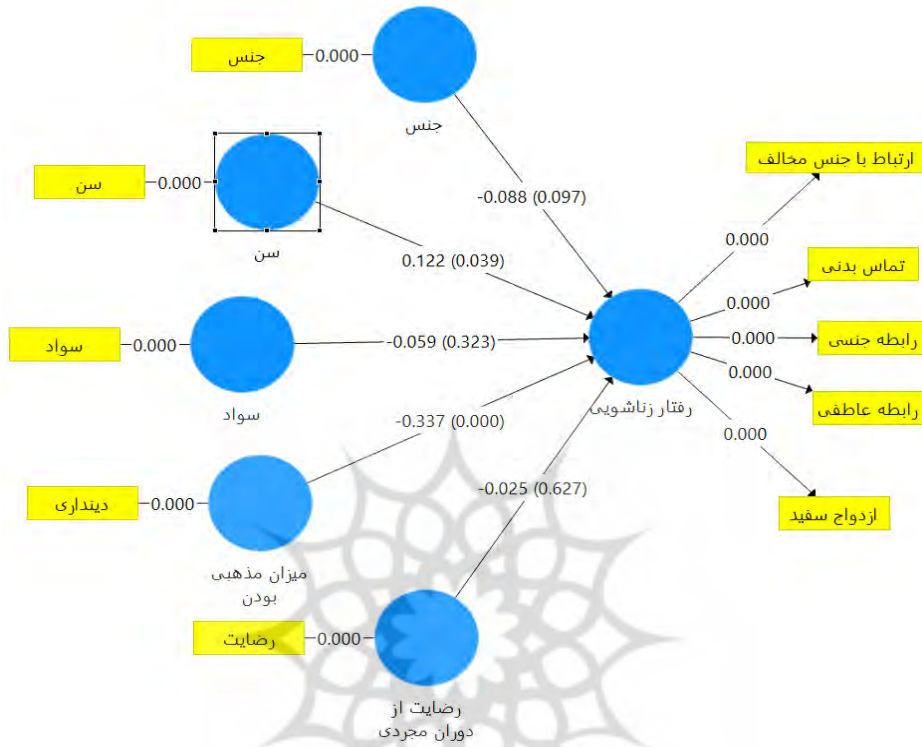
سؤالات	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی موافق	کاملاً موافق	جمع
حفظ زندگی زناشویی در گرو فداکاری زن و مرد است.	۳	۴	۲۵	۴۰	۱۰۰
بیشتر اوقات در زندگی مشترک باید از خودگذشتگی و ایثار از خود نشان داد.	۲	۶	۳۵	۲۷	۱۰۰

رابطه آماری ویژگی‌های فردی با رفتار زناشویی: چنانچه در مدل تجربی زیر مشاهده می‌گردد میزان ضریب (بتای) سن برابر با ۰/۱۲ و ضریب بتای میزان مذهبی بودن برابر با ۰/۳۳ - می‌باشد. این یافته بدین معناست که هر چه افراد سنشان بالا می‌رود، در قبال رفتارهای زناشویی، تقید کمتری دارند و در مقابل با کاهش سن، این تقید افزایش می‌یابد. همچنین افرادی که بیشتر مذهبی‌اند، تقید بیشتری نسبت به رفتارهای زناشویی دارند و برعکس. دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنس، سواد و رضایت از زندگی مجردی با رفتارهای زناشویی رابطه آماری معناداری مشاهده نمی‌گردد.

جدول ۹. ضرایب همبستگی رفتار زناشویی با ویژگی‌های فردی

ضرایب	جنس	سن	سواد	دینداری	رضایت از زندگی مجردی
رفتار زناشویی	-۰/۰۸	-۰/۱۲	۰/۰۵	-۰/۳۳	۰/۰۲

مدل علی ۱۱. ویژگی‌های فردی با رفتار زناشویی

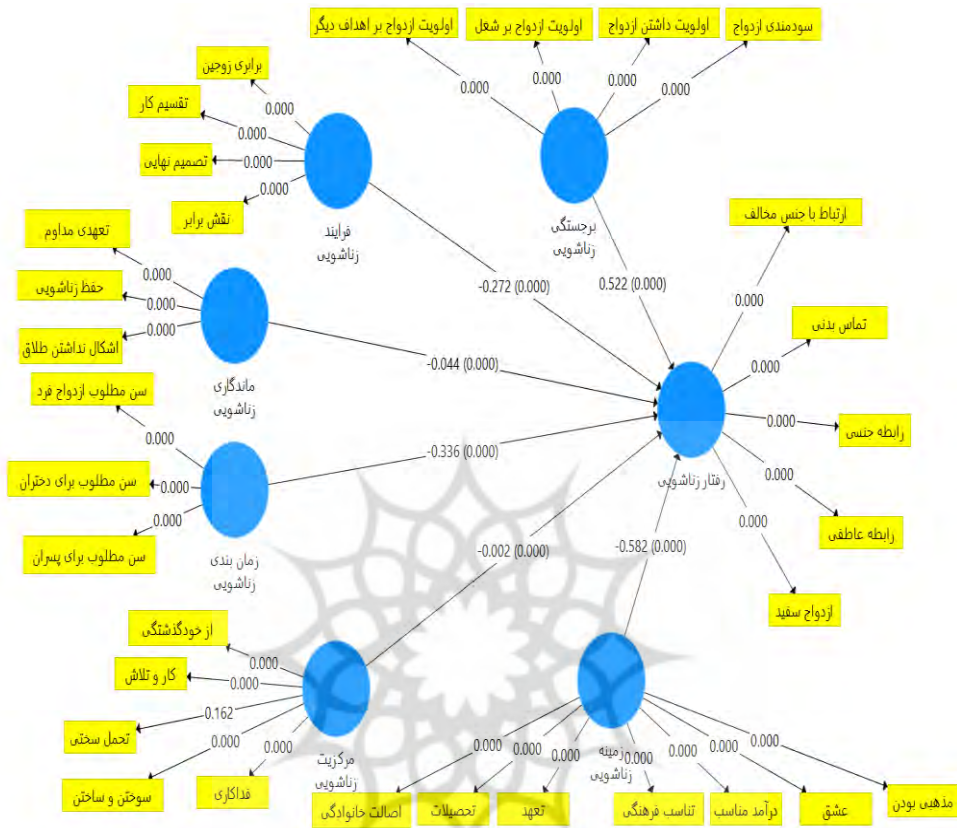


عوامل مؤثر بر رفتار زناشویی: نتایج بررسی عوامل مؤثر بر رفتار زناشویی با استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری بیانگر آن است که متغیرهای برجستگی زناشویی با بتای ۰/۵۲، فرایند زناشویی با بتای ۰/۲۷، زمان‌بندی زناشویی با بتای ۰/۳۳ - و زمینه زناشویی با بتای ۰/۵۸ - بیشترین رابطه را با رفتار زناشویی دارند.

جدول ۱۱: رابطه همبستگی رفتار زناشویی با سایر عوامل

زمینه زناشویی	مרכזیت زناشویی	زمان‌بندی زناشویی	ماندگاری زناشویی	فرایند زناشویی	برجستگی زناشویی	ضرایب رفتار زناشویی
-۰/۵۸	۰/۰۰۲	-۰/۳۳	-۰/۰۴	-۰/۲۷	۰/۵۲	رفتار زناشویی

مدل علی ۱۹. عوامل مؤثر بر رفتار زناشویی



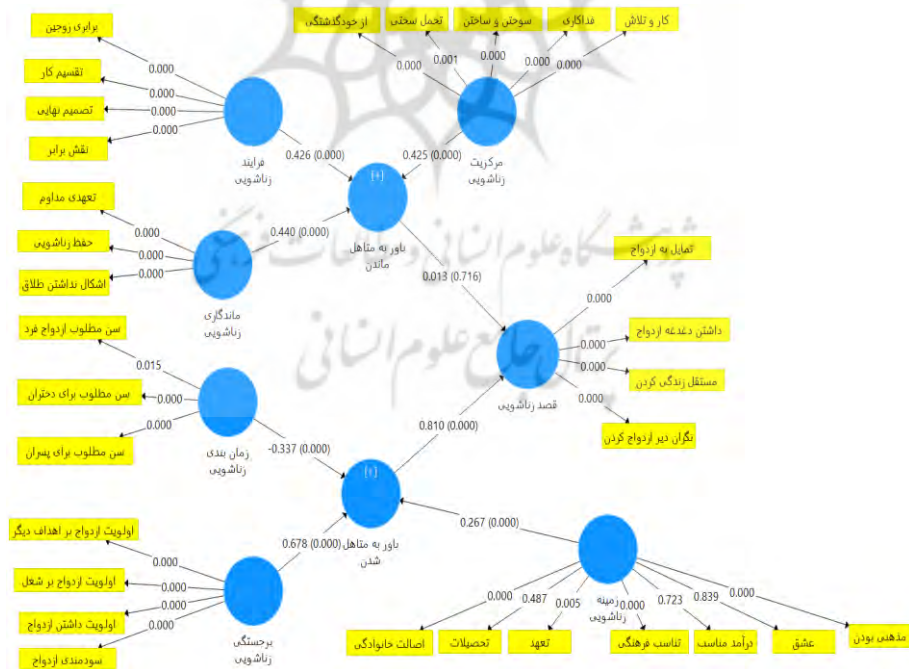
رابطه آماری سامانه زناشویی با رفتار زناشویی: با توجه به دو سامانه زناشویی یعنی؛ «باور به متأهل شدن» و «باور به متأهل ماندن» و بررسی رابطه آن‌ها با رفتار زناشویی، می‌توان نتیجه گرفت که میزان همبستگی سامانه «باور به متأهل ماندن» برابر با ۰/۲۰ منفی و در مقابل سامانه «باور به متأهل شدن» برابر با ۰/۰۳ منفی می‌باشد؛ بنابراین مشاهده می‌گردد که رفتار زناشویی مقیدانه جوانان بیش از هر چیزی متأثر از متغیرهای سامانه «باور به متأهل ماندن» است نه «باور به متأهل شدن». در واقع رفتار زناشویی جوانان - در قالب میزان تقید آن‌ها به نداشتن رابطه با جنس مخالف در سطوح مختلف - بیشتر متأثر از فرایند زناشویی (داشتن تعهد و مسئولیت نسبت به ایفای نقش‌های مختلف)، ماندگاری زناشویی (حفظ و تعهد در زندگی متأهلی) و مرکزیت زناشویی (تلاش و کوشش در زندگی زناشویی) می‌باشد؛ در

رابطه آماری سامانه زناشویی با قصد زناشویی: در بحث از رابطه آماری دو سامانه زناشویی با متغیر قصد زناشویی، می‌توان نتیجه گرفت که میزان همبستگی سامانه «باور به متأهل شدن» برابر با ۰/۸۱ می‌باشد و سطح معناداری حاصل مطلوب می‌باشد. در مقابل رابطه آماری سامانه «باور به متأهل ماندن» برابر با ۰/۰۱ گزارش شده که تأیید نشده است؛ بنابراین مشاهده می‌گردد که قصد زناشویی جوانان بیش از هر چیزی متأثر از سامانه «باور به متأهل شدن» است تا مؤلفه‌های «باور به متأهل ماندن».

جدول ۱۴. رابطه قصد زناشویی با سامانه‌های باور به متأهل ماندن و شدن

ضرایب	فرایند زناشویی	ماندگاری زناشویی	مرکزیت زناشویی	زمان بندی زناشویی	زمینه زناشویی	برجستگی زناشویی
قصد زناشویی	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۴۲	- ۰/۳۳	۰/۲۶	۰/۶۷
ضرایب	سامانه باور به متأهل ماندن			سامانه باور به متأهل شدن		
قصد زناشویی	۰/۰۱			۰/۸۱		

مدل علی ۲۲. رابطه آماری سامانه زناشویی با قصد زناشویی



بحث و نتیجه‌گیری

با عنایت به تغییر و تحولات صورت گرفته در بین جوانان در ایران و نیز چالش‌های پیش روی آن‌ها، در پژوهش حاضر برای تبیین قصد زناشویی و رفتار زناشویی از چارچوب نظری ویلوگی و همکاران (۲۰۱۵) استفاده شده است.

بر این اساس طبق بررسی صورت گرفته بین متغیرهای جنس، سواد و رضایت از زندگی مجردی با رفتارهای زناشویی رابطه آماری معناداری مشاهده نمی‌گردد؛ بنابراین دختران و پسران جوانان در شهر تهران به یک اندازه مقید به رفتارهای زناشویی‌اند. افراد با مقاطع تحصیلی مختلف از دیپلم تا کارشناسی ارشد و بیشتر، رفتارهای یکسانی در قبال ازدواج دارند و میزان رضایت افراد از دوره تجردی ارتباطی با رفتارهای مقیدانه یا کمتر مقیدانه جوانان ندارد. دیگر یافته‌ها نشان داد که هر چه جوانان مورد مطالعه سنشان بالا می‌رود، تقید کمتری در قبال رفتارهای زناشویی و در مقابل با کاهش سن، این تقید افزایش می‌یابد؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که با افزایش سن جوانان و مواجه شدن جوانان با تأخیر سنی ازدواج، رواج رفتارهای کمتر مقیدانه ازدواج در بین جوانان افزایش یابد. همچنین بررسی‌ها نشان داد که افرادی درجه مذهبی بودن آن‌ها بالاست، تقید بیشتری به رفتارهای زناشویی دارند و برعکس، کسانی که نمره مذهبی بودنشان پایین می‌باشد گرایش بیشتری به رفتارهای زناشویی نامقید دارند. از آنجا که جنسیت افراد با قیود فرد نسبت به رعایت برخی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی ارتباط دارد می‌توان گفت پسران نسبت به دختران حساسیت کمتری نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می‌دهند و میزان مخاطره‌های که آن‌ها در تخلف از رفتارهای مرسوم اجتماعی احساس می‌کنند نسبت به دختران کمتر است. لذا در حوزه تعاملات شخصی و عاطفی نیز می‌توان گفت پسرها بی‌پروا تر از دختران عمل می‌کنند (افشاریان و همکاران، ۱۴۰۰). یافته‌های مطالعه پیرامون تربیت جنسی در دختران دارای روابط قبل از ازدواج، بیانگر آن است که تعدادی از آن‌ها به وجود اعتقاد باز خانواده نسبت به جنس مخالف و برقراری رابطه با او اشاره نمودند؛ بدین صورت که از نظر آن‌ها، برقراری این گونه روابط در قبل از ازدواج، بهنجار محسوب

می‌شود و رایج و طبیعی می‌باشد؛ چندی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که حتی با یکدیگر رفت‌وآمد خانوادگی دارند، بدون آنکه قصدی برای ازدواج وجود داشته باشد و تنها دوست یکدیگر محسوب می‌شوند. در این بین، تعدادی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اذعان کردند با وجود اعتقاد باز و دید وسیع خانواده و والدین در زمینه برقراری رابطه با جنس مخالف، از نظر آن‌ها رابطه‌ای ارزشمند است که هدفمند باشد و حد و حدود رابطه رعایت گردد. در مقابل، خانواده‌هایی قرار دارند که دید مثبتی نسبت به روابط قبل از ازدواج ندارند و آن را خارج از چهارچوب‌های خود به حساب می‌آورند. همچنین، تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به مخالفت و سرسختی خانواده در رابطه با جنس مخالف اشاره نمودند و همین را دلیل گرایش خود به برقراری رابطه با جنس مخالف در قبل از ازدواج عنوان کردند (ابراهیمی، فرحبخش و نعیمی، ۱۴۰۱).

طبق بررسی صورت گرفته پیرامون ویژگی‌های فردی با قصد زناشویی، یافته‌ها نشان داد: پسران جوانان در شهر تهران در مقایسه با دختران قصد و انگیزه‌شان نسبت به ازدواج به‌طور معناداری بیشتر است. همچنین افرادی که درجه مذهبی بودن آن‌ها بالاست، قصدشان به ازدواج بیشتر گزارش شده است و در مقابل افراد کمتر مذهبی تمایل کمتری به ازدواج و تشکیل خانواده دارند. این امر متأثر از آموزه‌های دینی و سفارش‌های به‌عمل آمده پیرامون اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده می‌باشد. در این میان کسانی که از دوره مجردی‌شان رضایت کمتری دارند، قصد بیشتری نسبت به ازدواج دارند؛ در مقابل با افزایش رضایت از زندگی مجردی، قصد زناشویی جوانان کاهش می‌یابد. دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای سن و سواد با قصد زناشویی رابطه آماری معناداری مشاهده نمی‌گردد؛ بنابراین داشتن قصد و انگیزه کم یا زیاد نسبت به ازدواج، چندان تحت تأثیر مقاطع تحصیلی و یا گروه‌های سنی خاصی نمی‌باشد. نتایج پژوهش آن و همکارانش (۲۰۲۲) پیرامون قصد ازدواج در بین جوانان کره‌ای نشان داد: «مردانی که از نظر اقتصادی فعال نبودند، قصد ازدواج خنثی یا منفی داشتند، در حالی که زنان در اواخر جوانی خود (یعنی در ۳۰ سالگی) روند مثبتی به ازدواج را نشان دادند. هم برای مردان و هم برای زنان

مجرد، هرچه ارزیابی ذهنی آن‌ها منفی‌تر باشد، تمایل بیشتری به طرفداری از قصد ازدواج خنثی یا منفی دارد. به‌طور کلی، هر چه کیفیت اشتغال (یعنی دستمزد و وضعیت اشتغال) بالاتر باشد، احتمال ازدواج در میان جوان بیشتر است. برعکس، فعالیت‌های اقتصادی زنان تأثیر منفی داشت. این امر هم‌افزایی بین دو جنبه کلیدی را نشان می‌دهد: قدرت اقتصادی زنان را قادر می‌سازد استقلال را انتخاب کنند و محدودیت‌های اقتصادی منجر به تصمیم‌گیری فعال‌تر برای ازدواج آن‌ها می‌گردد. (آن، لی، وو، ۲۰۲۲). یافته‌های تحقیقات مختلف در زمینه موانع ازدواج جوانان نیز نشان می‌دهد: «جوان در مورد دلایل عدم ازدواج و اینکه چه چیز باعث شده است که تاکنون ازدواج نکنند، نیافتن همسر دلخواه را با ۴۹/۱ درصد به‌عنوان بیشترین دلیل خود بیان کرده‌اند. بالا بودن هزینه‌های زندگی مشترک با ۳۴/۹ درصد و نداشتن شغل با ۳۰/۴ درصد نیز در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. همچنین، ترس از ازدواج ناموفق دغدغه ۲۶/۳ درصد پاسخگویان بوده است. مهم‌ترین دلایل دختران برای عدم ازدواج تاکنون به ترتیب، نیافتن همسر دلخواه، ترس از ازدواج ناموفق، بی‌اعتمادی به جنس مخالف و مردد بودن در تصمیم‌گیری بوده است. مهم‌ترین دلایل پسران برای عدم ازدواج مربوط به مسائل اقتصادی بوده است. بالا بودن هزینه زندگی مشترک و نداشتن شغل مهم‌ترین دلایل پسران بوده است. موارد دیگر برای پسران شامل نیافتن همسر دلخواه و بالا بودن هزینه تشریفات ازدواج است» (ایسپا، ۱۳۹۷). در موج اول پژوهش «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های زنان» رابطه همبستگی حاصل با مدل مفهومی مطالعه، به ترتیب دخترانی تمایل بسیاری به ازدواج دارند که از طریق ازدواج هویت‌یابی کنند، دیگران انتظار بیشتری از آن‌ها داشته باشند و نیز محدودیت در ازدواج نداشته باشند. در موج دوم پژوهش یافته‌ها نشان داد دخترانی که تمایل به ازدواج دارند، سن مطلوبشان برای ازدواج بالاست؛ در این میان نیز کسانی که به‌واسطه ازدواج احساس هویت بیشتری می‌نمایند، آمادگی بیشتری برای ازدواج دارند. در نوبت بعدی هر چه خانواده و اطرافیان از فرد انتظار داشته باشند که ازدواج کند رغبت بیشتری برای ازدواج

نشان می‌دهند. البته فرصت ازدواج نیز برای افراد مهم است؛ در واقع دخترانی میل به ازدواج دارند که امکان ازدواج برای آن‌ها فراهم باشد. در این میان معنای ازدواج در بین افراد ارتباط معناداری را تمایل به ازدواج نشان نمی‌دهد. البته دخترانی که گرایش فمینیستی و فردگرایانه‌تری دارند، سن مطلوب آن‌ها برای ازدواج خیلی بالاست (غیاثوند، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۹). در مبحث موانع ازدواج در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان در سال ۹۹ یافته‌های مربوط به سؤال: «بالا بودن هزینه‌های اقتصادی ازدواج و تشکیل خانواده موجب عدم تمایل جوانان به ازدواج می‌شود» بیانگر آن است که ۳۹/۴ درصد کاملاً موافق و ۴۹/۲ درصد موافق هستند به عبارتی ۸۸/۶ درصد موافقاند و در مقابل ۸/۶ درصد مخالف هستند. «در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران» برحسب ویژگی‌های فردی، سایر یافته‌ها نشان می‌دهد که دختران ۳۰ ساله و بیشتر، بالاتر از دیپلم، دختران شاغل کمترین تمایل به ازدواج دارند؛ به عبارتی هر چه سن دختران بالاتر می‌رود، تمایلشان نسبت به ازدواج کمتر می‌شود. هر چه دختران مجرد سوادشان بیشتر می‌شود، سن مطلوب برای ازدواجشان بالاتر و نیز از سویی نیز رغبت کمتری را نسبت به تشکیل خانواده از خود نشان می‌دهند. همچنین دختران در خانواده‌های دارای درآمد کم، تمایل کمتری به ازدواج دارند و خانواده‌های درآمد بالا، عمدتاً تمایل دارند در سنین بالاتر ازدواج کنند» (غیاثوند، ۱۳۹۹). همچنین در پژوهش «رشد» یافته‌های استنباطی نشان می‌دهد که زنان ازدواج کرده ارزش ازدواج بالاتری و زنان ازدواج نکرده ارزش ازدواج پایین‌تری داشتند؛ به گونه‌ای که زنانی که فردگرایی بیشتر، خودانتخابی بیشتر در زمینه انتخاب همسر، داشتن رابطه دوستی با پسر و ترس از طلاق بیشتری داشته و درعین حال ارزش اجتماعی کمتری برای فرزندآوری قائل بودند، احتمال اینکه ازدواج کرده باشند کمتر است. این در حالی است که زنان ازدواج کرده فردگرایی کمتر، خودانتخابی کمتر در زمینه انتخاب همسر، داشتن رابطه دوستی با پسر و ترس از طلاق کمتری داشته و ارزش بیشتری برای فرزندآوری قائل بودند. نتیجه‌ای که در این تحقیق حاصل گردید بیانگر آن است که دینداری زنان متغیر تأثیرگذار و مهمی در ارتباط با وضعیت ازدواج زنان بود. به گونه‌ای که

همراه با افزایش دینداری زنان احتمال ازدواج آنان نیز افزایش می‌یافت. همچنین زنانی که به تعهدات دینی پای بندی بیشتری داشتند ارزش بیشتری برای ازدواج قائل بودند (رشوند، ۱۳۹۷). در همین راستا بازتاب مقید به باورها و رفتاری دینی را نیز می‌توان در رضایت از زندگی زناشویی پیگیری نمود؛ همسو با بسیاری از پژوهش‌ها، در مطالعه خدادادی سنگده و همکارانش، زوجین رضایتمند، نقش باورها و رفتارهای دینی را در رضایتمندی خود از ازدواج، اساسی می‌دانستند (خدادادی سنگده، کلائی و گوهری پور، ۱۳۹۹). طبق بررسی صورت گرفته، رابطه آماری بین دو متغیر زمان‌بندی زناشویی با رفتار زناشویی معناداری نشده است؛ بنابراین انتظارات مختلفی برای سن ازدواج در بین جوانان حتی برحسب سن مطلوب ازدواج دختران و پسران تأثیری بر رفتار زناشویی آن‌ها ندارد. همچنین رابطه دو متغیر برجستگی زناشویی با رفتار زناشویی معنادار نشده است؛ به عبارتی اهمیت ازدواج در کنار سایر اهدافی که جوانان در طول زندگی دارند تأثیر بسزایی در رفتارهای مقیدانه آن‌ها ندارد. دیگر یافته‌ها نیز نشان داد که بین دو متغیر زمینه زناشویی با رفتار زناشویی رابطه آماری معناداری وجود ندارد. بررسی رابطه متغیرهای فرایندهای زناشویی، ماندگاری زناشویی و مرکزیت زناشویی با رفتار زناشویی، معنادار شده است. بدین معنا که هر چه جوانان مرکزیت بیشتری برای ازدواج قائل باشند، نمره ماندگاری زناشویی آن‌ها بالا باشد و فرایندهای زناشویی آن‌ها یک‌سویه باشد کمتر به رفتارهای زناشویی نامقید، مبادرت می‌ورزند.

با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری مشاهده گردید که رفتار زناشویی مقیدانه جوانان بیش از هر چیزی متأثر از متغیرهای سامانه «باور به متأهل ماندن» است تا «باور به متأهل شدن». در واقع می‌توان چنین قضاوت نمود که رفتار زناشویی جوانان در قالب میزان تقید آن‌ها به نداشتن رابطه با جنس مخالف در سطوح مختلف رابطه عاطفی، تماس بدنی، جنسی و همبالینی بیشتر متأثر از عواملی از قبیل: فرایند زناشویی (داشتن تعهد و مسئولیت نسبت به ایفای نقش‌های مختلف)، ماندگاری زناشویی (حفظ و تعهد در زندگی متأهلی) و مرکزیت زناشویی (تلاش و کوشش دز زندگی زناشویی) می‌باشد؛ یعنی هر آنچه بعد از

ازدواج و تشکیل خانواده فرد را درگیری و متعهد می‌کند و منجر به حفظ و ثبات زندگی زناشویی خواهد شد. در مقابل سامانه «باور به متأهل شدن» ضریب تأثیر بسیار کم و ناچیزی دارد. از منظری دیگر، انگاره تأهل در بین جوانان شهر تهران را در قالب چارچوب نظری ویلوگی و همکاران (۲۰۱۵) را می‌توان بر اساس «نظریه تصمیم‌گیری» مارچ نیز ردیابی و تحلیل بیشتری نمود. مارچ در نظریه تصمیم‌گیری، انتخاب یک عمل را موقعیت قطبی شده‌ای می‌داند که در قالب دو چشم‌انداز مورد تفسیر است: نخست، چشم‌انداز عقلانیت است که در آن کنش‌های فرد از انتظاراتش از نتایج آن کنش و ترجیح‌هایش برای آن نتایج ریشه می‌گیرد. دوم، چشم‌انداز پیروی از اصول و قواعد است که بر طبق آن اقدام از انطباق خواست‌های هویت‌ها یا تعریفی از موقعیت ریشه می‌گیرد (مارچ، ۱۳۹۶: ۲۶۱).

بر این اساس تبیین رفتار زناشویی جوانان در شهر تهران، بیشتر در سازوکار این پرسش می‌گیرد که موقعیت مقید بودن یا نبودن به رفتارهای هنجارمند ازدواج در بین جوانان بیشتر در چه دسته‌ای از سامانه یا مجموعه‌ای از باورهای مربوط به متأهل شدن اتفاق می‌افتد؟ البته باورهای فرد درباره «متأهل شدن» و «متأهل ماندن» به شیوه‌های متقابلی با هم در ارتباط هستند که به نوبه خود انگاره تأهل را شکل می‌دهند و منجر به گرایش افراد به ازدواج و درنهایت متأهل شدن می‌انجامد؛ اما آنچه نتایج حاصل نشان می‌دهد فهم رفتار مقیدانه زناشویی جوانان در قالب غلبه باورهای «متأهل ماندن» به «متأهل شدن» صورت می‌گیرد. متأثر از نظریه مارچ می‌توان بیان داشت که رفتار زناشویی جوانان مبتنی بر دغدغه پیامدهای تصمیم است و از «منطق پیامد» پیروی می‌کند؛ به عبارتی جوانانی که در سطوح مختلف هیچ رابطه‌ای با جنس مخالف ندارند؛ در حفظ، تعهد و نقش‌های زناشویی آینده نیز بهتر و مقیدتر عمل می‌کنند؛ یا به عبارتی تعهد زناشویی، نقش‌های زناشویی و ثبات زناشویی بیشتری را دنبال می‌کنند با پرهیزگاری منتظر ازدواج رسمی می‌باشند. امری که تا حدودی جیسون کارول در مطالعه‌شان تحت عنوان «تأخیر در ازدواج: روندها و پیامدهای آن» از ایده نظری «پارادوکس آماده شدن جوانان برای ازدواج» سخن به میان می‌آورد. وی معتقد است: اولین پارادوکس آماده شدن «داشتن تجربه زندگی مشترک»

می‌باشد: در این باره بسیاری از جوانان معتقدند برای کاهش خطر و احتمال طلاق بهتر است مدتی زندگی مشترک را با دیگران تجربه کنند؛ هیچ مطالعه‌ای تا به امروز هیچ‌گونه زندگی مشترکی را برای داشتن یک عامل محافظت در برابر طلاق نشان نداده است، حتی زندگی مشترک قبل از ازدواج از لحاظ تاریخی با شانس بیشتری برای طلاق همراه بوده است (کارول، بدگر و لانگ،^۱ ۲۰۰۶). از این رو می‌توان نتیجه گرفت داشتن رفتارهای مقیدانه در قبال ازدواج منجر به ثبات و استحکام زندگی خانوادگی بیشتری می‌گردد. طبق نظریه افق زناشویی، اهمیت نسبی ازدواج در ارتباط با سایر اهداف بر رفتارهای فعلی بزرگسالان در حال ظهور تأثیر می‌گذارد. هرچه ازدواج هدفمند محوری‌تر باشد، احتمال انطباق فرد با هنجارهای متعارف جامعه بیشتر خواهد بود و بنابراین احتمال انجام رفتارهای مختلف خطرپذیری کمتر است. زمان زناشویی مورد نظر طبق تئوری افق زناشویی، هرچه فرد از سن ایدئال خود برای ازدواج دورتر باشد، احتمال انجام رفتارهای مخاطره‌آمیز بیشتر است. هرچه فرد به سن ایدئال خود برای ازدواج نزدیک می‌شود، با شروع هماهنگی بیشتر شخص با انتظارات اجتماعی ازدواج، رفتار کم‌خطرتری را تجربه خواهد کرد (کارول، ویلوگی، بدگر، نلسون، باری و مدسن،^۲ ۲۰۰۷). کارول در بحث از نظریه «افق زناشویی» به چشم‌انداز یا رویکرد فرد نسبت به وضعیت کنونی فرد نسبت به ازدواج اشاره دارد که به نوبه خود سه مؤلفه جداگانه را که دربرگیرنده برنامه زندگی زناشویی فرد است را شامل می‌شود: (۱) اهمیت ازدواج در برنامه‌های زندگی فعلی، (۲) زمان مطلوب ازدواج و (۳) نوع آمادگی لازم قبل از آمادگی برای ازدواج. ایده اصلی این نظریه این است که افق زناشویی فرد یک عامل اصلی در تعیین طول بزرگسالی نوظهور و رفتارهای خاص (به‌ویژه رفتارهای ناسالم) است که در بزرگسالی ظهور می‌کند (کارول، ویلوگی، بدگر، نلسون، باری و مدسن،^۳ ۲۰۰۷).

طبق نظریه افق زناشویی، اهمیت نسبی ازدواج در ارتباط با سایر اهداف بر رفتارهای

1. Carroll, J. S., Badger, S., & Yang, C.

2. Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C. M., & Madsen

3. Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C. M., & Madsen

فعلی بزرگ‌سالان در حال ظهور تأثیر می‌گذارد. هرچه ازدواج هدفمند محوری‌تر باشد، احتمال انطباق فرد با هنجارهای متعارف جامعه بیشتر خواهد بود و بنابراین احتمال انجام رفتارهای مختلف خطرپذیری کمتر است. زمان زناشویی موردنظر طبق تئوری افق زناشویی، هرچه فرد از سن ایدئال خود برای ازدواج دورتر باشد، احتمال انجام رفتارهای مخاطره‌آمیز بیشتر است. هرچه فرد به سن ایدئال خود برای ازدواج نزدیک می‌شود، با شروع هماهنگی بیشتر شخص با انتظارات اجتماعی ازدواج، رفتار کم‌خطرتری را تجربه خواهد کرد. معیارهای آمادگی ازدواج. نظریه افق زناشویی معتقد است که اعتقاد بزرگ‌سالان در حال ظهور در مورد معیارهایی که برای ازدواج لازم است، بر زمان مطلوب ازدواج و احتمالاً اهمیت نسبی ازدواج برای آن فرد تأثیر زیادی خواهد گذاشت. مفاهیم موجود در ورای افق‌های ازدواج بر «پیش‌بینی» و «برنامه‌ریزی» برای ازدواج تمرکز (کارول، ویلوگی، بدگر، نلسون، باری و مدسن،^۱ ۲۰۰۷)؛ و نقش مورد انتظار نوبزرگ‌سالان از ازدواج در زندگی را برجسته می‌کند.

تئوری افق ازدواج، اساس مطالعات بسیاری در سال‌های اخیر شده است که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت عقاید مربوط به ازدواج بر شد و توسعه افراد بالغ می‌باشد. به‌عنوان مثال، نظریه افق ازدواج بالغین با تمایز یافتگی بیشتر و یا افرادی که اهمیت کمی به ازدواج می‌دهند و اولویت‌های زمانی دیگری دارند، مشارکت در رفتارهای ریسک‌پذیرتر (ویلوگی و هال^۲، ۲۰۱۰) و فعالیت جنسی بیشتری از خود نشان می‌دهد (ویلوگی و هال^۳، ۲۰۱۲). اعتقادات زناشویی نیز به‌طور مستقیم بر توسعه روابط میان بالغین اثر می‌گذارد. یک مطالعه نشان داده است که نگرش مثبت نسبت به ازدواج بیشتر افزایش تعهد در روابط عاشقانه همراه است (برین، ویلوگی و اسکات^۴، ۲۰۱۴). درحالی‌که مطالعات دیگری نشان‌دهنده سن مطلوب ازدواج به سلامت روان و چگونگی ارتباط سن واقعی ازدواج

1. Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C. M., & Madsen

2. Willoughby, B. J., & Carroll, J. S.

3. Willoughby, B. J., & Carroll, J. S.

4. Brian J. Willoughby¹ and Scott S. Hall

نوبزرگ سالان و همسان‌سازی در آن‌ها بستگی دارد (ویلوگی و هال^۱، ۲۰۱۲).

در مجموع با توجه به دو سامانه زناشویی و بررسی رابطه آن‌ها با متغیر قصد زناشویی، می‌توان نتیجه گرفت قصد زناشویی جوانان بیش از هر چیزی متأثر از سامانه «باور به متأهل شدن» است تا مؤلفه‌های «باور به متأهل ماندن». بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت هر چه جوانان میزان اهمیت و برجستگی ازدواج در مقابل سایر اهداف زندگی (اشتغال، تحصیل و...) از اولویت بالایی برخوردار باشند انگیزه بیشتری برای ازدواج کردند دارند و در مقابل کسانی که سایر اهداف در زندگی‌شان برجسته می‌باشد، تمایلشان نسبت به ازدواج کمتر خواهد بود. در بحث از زمان‌بندی ازدواج، جوانانی که سن مورد انتظارشان برای ازدواج بالا می‌باشد، قصد کمتری برای ازدواج و تشکیل خانواده دارند و در مقابل هر چه افراد سن مطلوب ازدواج را پایین در نظر بگیرند، قصد بیشتری برای ازدواج دارند. همچنین افراد مورد مطالعه هر چه توجه بیشتری به فراهم آوردن زمینه‌های مختلف ازدواج در قالب مؤلفه‌هایی از قبیل میزان مذهبی، اصالت خانوادگی، عشق و علاقه، داشتن شغل و درآمد مناسب، قابل اعتماد بودن همسر و داشتن تعهد به زندگی، داشتن تناسب فرهنگی و قومی با همسر، تمام کردن تحصیلات داشته باشند گرایش بیشتری به ازدواج دارند. پس انگیزه و قصد ازدواج جوانان چندان با باورهای مختلف متأهل ماندن ارتباطی ندارد بلکه غلبه بر مؤلفه‌های سامانه متأهل شدن است؛ به عبارتی زمانی جوانان انگیزه بالایی برای ازدواج خواهند داشت که آن را به‌عنوان یک هدف مهم و جدی، زمان و انتظاری سنی خاصی و نیز معیارهای مختلفی فراهم آمده باشد؛ متأثر از نظریه مارچ، قصد ازدواج جوانان نه مبتنی برای بر دغدغه پیامدهای تصمیم و «منطق پیامد» است؛ بلکه در پی آن است که جوانان هویت یا نقش خود را تحقق بخشد و «منطق تناسب» را دنبال کند. پس ازدواج و تشکیل خانواده بایستی به نحوی تأمین‌کننده هویت اجتماعی و روانی و نقش‌های مورد انتظارات جوانان باشد.

1. Willoughby, B. J., & Carroll, J. S.

منابع

- افشاریان، ندا؛ درتاج؛ فریبرز؛ سعدی پور، اسماعیل؛ دلاور، علی؛ شریعتی، سید صدرالدین (۱۴۰۰). ارائه الگوی مفهومی شناسایی ادراک عشق‌ورزی در دانشجویان مجرد. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۲ (۴۷)، ۱۶۰-۱۲۳.
- ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران) (۱۳۹۲). سنجش نگرش جوانان ایرانی به ازدواج و تشکیل خانواده، تهران: موج اول.
- ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران) (۱۳۹۴). سنجش نگرش جوانان ایرانی به ازدواج و تشکیل خانواده، موج دوم.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۵). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آزادارمکی، تقی (۱۴۰۰). طرح پژوهشی: بررسی میزان شیوع همخانگی (ازدواج سفید) در بین جوانان و عوامل مؤثر بر آن، کارفرما: وزارت ورزش و جوانان.
- آزادارمکی، تقی؛ و غیاثوند، احمد (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، تهران: نشر آن.
- خدادادی سنگده، جواد؛ کلائی، اعظم؛ و گوهری پور، مرتضی. (۱۳۹۹). تدوین الگوی مفهومی رضایت از ازدواج در بستر خانواده سالم: مبتنی بر بافت فرهنگی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی ۱۱ (۴۱)، ۲۷-۶۰.
- رشوند، مرجان (۱۳۹۷). متمایزکننده‌های وضعیت ازدواج در میان زنان شهر تهران، رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.
- شاهی، حسن؛ مؤمنی خدامراد؛ کرمی، جهانگیر؛ و اشرفی، عماد (۱۳۹۸). پارادایم‌های زناشویی در جوانان ایرانی: معرفی و ارزشیابی یک نظریه نوین در زمینه روابط زناشویی، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، ۹ (۳۵)، ۱-۳۹.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۶). پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران، تهران، کارفرما: شهرداری تهران.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۹). پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران، تهران، کارفرما:

شهرداری تهران.

فیضی، ایرج؛ و ابراهیمی، مرضیه (۱۳۹۹). پیمایش ملی خانواده، سازمان مجری: جهاد دانشگاهی واحد استان البرز.

گودرزی، محسن (۱۳۹۰). ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی فرهنگی شهروندان تهرانی، طرح پژوهشی. کارفرما: شهرداری تهران.

مارچ، جیمز (۱۳۹۶). درآمدی بر علم تصمیم‌گیری (تصمیم‌گیری چگونه رخ می‌دهد). ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.

وزارت ارشاد (۱۳۷۹). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، دفتر طرح‌های ملی.

وزارت ارشاد (۱۳۸۰). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، دفتر طرح‌های ملی.

وزارت ورزش و جوانان (۱۳۸۳). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان، دفتر مطالعات و تحقیقات.

وزارت ورزش و جوانان (۱۳۹۹). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات.

References

- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50,
- An, D. Lee, S.L. Woo, H. (2022). "Marriage Intention among Korean Young Adults: Trends and Influencing Factors" *International Journal of Environmental Research and Public Health* 19, no. 14: 8557. <https://doi.org/10.3390/ijerph19148557>.
- Axinn, W. G., & Thornton, A. (1992). The relationship between cohabitation and divorce: Selectivity or causal influence? *Demography*, 29, 357-374.
- Brian J. Willoughby¹ and Scott S. Hall (2014) *Enthusiasts, Delayers, and the Ambiguous Middle: Marital Paradigms Among Emerging Adults*, Society for the Study of Emerging Adulthood and SAGE Publications, *Reprints and permission: sagepub.com/journalsPermissions.nav*
- Carroll, J. S., Badger, S., & Yang, C. (2006). The Ability to Negotiate or the Ability to Love?: Evaluating the Developmental Domains of Marital Competence. *Journal of Family Issues*, 27, 1001-1032.
- Carroll, J. S., Badger, S., Willoughby, B., Nelson, L. J., Madsen, S., & Barry, C. M. (2009). Ready or not? Criteria for marriage readiness among emerging adults. *Journal of Adolescent Research*, 24, 349-375.
- Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C. M., & Madsen, S. D. (2007). So close, yet so far away: The impact of

- varying marital horizons on emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 22, 219-247.
- Dennison, R. P., & Koerner, S. S. (2006). Post-divorce interparental conflict and adolescents' attitudes about marriage: The influence of maternal disclosures and adolescent gender. *Journal of Divorce & Remarriage*, 45, 31-49.
- Good, W. (1963), "World Revolution and Family Patterns", London:
- Hall, S. S. (2006). Marital meaning: Exploring young adults' belief systems about marriage. *Journal of Family Issues*, 27, 1437-1458.
- Hall, S. S. (2012). Implicit theories of the marital institution. *Marriage & Family Review*, 48, 1-19.
- Hall, S. S., & Willoughby, B. J. (2016). Relative work and family role centralities: Beliefs and behaviors related to the transition to adulthood. *Journal of Family and Economic Issues*, 37, 75-88.
- Hoffnung, M. (2004). Wanting it all: Career, marriage, and motherhood during college-educated women's 20s. *Sex roles*, 50, 711-723.
- Holman, T. B. (2001). *Premarital prediction of marital quality or breakup: Research, theory, and practice*. New York, NY: Kluwer Academic/Plenum.
- Holman, T. B., & Li, B. D. (1991). Premarital factors influencing perceived readiness for marriage. *Journal of Family Issues*, 18, 124-144.
- Keldal, G., & Yildirim, İ. (2022). Factors associated with marital readiness among Turkish young adults. *Family Relations*, 71(1), 307- 324.
- Larson, J. H., Benson, M. J., Wilson, S. M., & Medora, N. (1998). Family of origin influence on marital attitudes and readiness for marriage in late adolescents. *Journal of Family Issues*, 19, 750-768.
- Mahay, J., & Lewin, A. C. (2007). Age and the desire to marry. *Journal of Family Issues*, 28, 706-723.
- Mosko, J. E., & Pistole, M. C. (2010). Attachment and religiousness: Contributions to young adult marital attitudes and readiness. *Family Journal*, 18, 127-135.
- sassler, S., & Schoen, R. (1999). The effect of attitudes and economic activity on marriage. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 147-159
- Stanley, S. M., & Markman, H. J. (1992). Assessing commitment in personal relationships. *Journal of Marriage and Family*, 54, 595-608.
- Sternberg, R. J. (2004). *A Triangular Theory of Love*. In H. T. Reiss, & C. E. Rusbult (Eds.), *Close Relationships* (pp. 213-227). New York: Psychology Press.
- Wilcox, W. B., & Dew, J. (2010). Is love a flimsy foundation? Soulmate versus institutional models of marriage. *Social Science Research*, 39, 687-699.

- Willoughby, B. J. (2010). Marital attitude trajectories across adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 39, 1305-1317.
- Willoughby, B. J. (2012a). Associations between sexual behavior, sexual attitudes and marital horizons during emerging adulthood. *Journal of Adult Development*, 19, 100-110.
- Willoughby, B. J. (2012b). Using marital attitudes in late adolescence to predict later union transitions. *Youth & Society. Advance online publication*. doi:10.1177/0044118X12436700
- Willoughby, B. J., & Carroll, J. S. (2010). Sexual experience and couple formation attitudes among emerging adults. *Journal of Adult Development*, 17, 1-11
- Willoughby, B. J., & Carroll, J. S. (2012). Correlates of attitudes toward cohabitation: Looking at the associations with demographics, relational attitudes and dating behavior. *Journal of Family Issues. Advance online publication*. doi:10.1177/0192513X11429666.
- Willoughby, B. J., Yorgason, J., James, S., & Kramer Holmes, E. (2021). What Does Marriage Mean to Us? *Marital Centrality among Newlywed Couples. Journal of Family Issues*, 42(7), 1631-1654.



استناد به این مقاله: غیاثوند، احمد،، بخشی پور جویباری، باب‌الله. (۱۴۰۲). تحلیل رفتار و قصد ازدواج جوانان در شهر تهران از منظر پارادایم زناشویی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۴(۵۶)، ۱۰۳-۱۳۹.

DOI: 10.22054/qccpc.2023.69756.3000



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی